

دو نمونه مبارزه با فساد

عباس عبدي

شرایط مبارزه با فساد چیست؟ این روزها قانون سوت‌زنی هم ابلاغ شده است، پس حتما باید بساط فساد به سرعت برجیده شود. واقعیت این است که فساد فرآیند عجیبی است. بسیاری از افراد کم‌کم آلوده میشوند. در مقاطعی انگیزه‌های خیرخواهانه هم مکمل فساد میشود. همچنین معنای فساد را هم تغییر میدهند، به ویژه فساد را در پوشش رانت پنهان میکنند. در فضای غیرشفاف حتی ارقام فساد بزرگ‌تر از آن چیزی میشود که هست و حق هم هست که چنین شود. در روزهای گذشته چند اتفاق رخ داده که نشان میدهد اهمیت مساله فساد و روندهای مبارزه با آن هنوز درک نشده است. چند روز پیش روزنامه اعتماد در صفحه اول خود گزارش خوبی را با رعایت همه جوانب درباره يك فساد 22 میلیون دلاری در معامله یک شرکت وابسته به آستان قدس منتشر کرد. مسوولان روزنامه تصویر صفحه اول را حدود ساعت ۱۰ تا ۱۱ هر شب برای تعدادی از همکاران و علاقه‌مندان ارسال میکنند. بلافاصله پس از ارسال این تصویر با صاحب امتیاز تماس می‌گیرند و درخواست حذف این خبر را میکنند. البته نه به صورت دستوری، بلکه دوستانه و مدیریت روزنامه هم طبعاً نمی‌پذیرد.

گرچه در خبر اتهاماتی متوجه فرد متهم که اکنون در زندان است شده، ولی مساله مهم این است که فساد در زمان مدیرانی رخ داده که عموماً اکنون از مقامات دولتی هستند و هیچ پرسشی از آنان نمیشود، درحالی که این فساد محصول تخلف و ضعف در قرارداد منعقد شده از سوی آنان است. یکی، دو روز بعد هم شرکت مزبور پاسخ میدهد که خواهان رسیدگی سریع‌تر دادگاه است، ولی به ادعاهای گزارش منتشره درخصوص مسوولیت مدیران هیچ پاسخی نمیدهد. این نحوه برخورد نشان میدهد که تا رسیدن به فضایی که فساد و ریشه‌های آن ریشه‌کن شوند فاصله زیادی داریم. در واقع فساد فقط محصول کردار آدم فاسد بیرون از دستگاه‌های رسمی نیست، بلکه ناشی از کم‌توجهی‌ها، سوءمدیریت و احتمالاً مسائل دیگر در طرف مدیران نیز هست و اگر قرار باشد با فساد مبارزه شود در درجه اول باید گریبان این طرف ماجرا که مدیران میشوند را محکم‌تر گرفت. چند روز پیش یکی از چهره‌های رسانه‌ای نواصولگرایان؛ طی سخنانی در سیما، مجلس و به طور مشخص

نمایندہ‌ای را بدون ذکر نام متهم کرد کہ در فسادہای اداری و کارچاقکنی یا حتی در تہدید دیگران مشارکت مستقیم داشتہ‌اند یا دیگری دہا سکہ گرفتہ است و... اگر يك ساختار ضد فساد باشد، با این ادعاہا چگونه برخورد می‌کند؟ پلیس و دادستانی بلافاصلہ با فرد اتہام‌زنندہ تماس می‌گیرند و با احضار او از وی می‌خواہند کہ اطلاعات، جزئیات و اسناد فساد را برای‌شان شرح و در اختیار آنان قرار دہد تا پیگیری کنند. ولی خبری از این ماجرا نشد تا اینکہ ابتدا نمایندہ‌ای در مجلس سپس رییس آن چون دیدند کلیت مجلس متهم شدہ است از دادگستری درخواست رسیدگی کردند. این ہم نہ از باب مبارزہ با فساد، چون اگر چنین بود خودشان ہم باید بر اصل این مبارزہ تاکید می‌کردند و فرض را بر صحت اتہامات می‌گذاشتند، مگر آنکہ خلاف آن ثابت شود، ولی ماجرا بہ این شکل است کہ اگر این اتہام علیہ ہر نہاد دیگری بود از کنار آن بی‌تفاوت عبور می‌کردند، حال کہ علیہ خودشان است، بہ صفت دفاع از خود (البتہ ایرادی ہم ندارد) و نہ از منظر مبارزہ با فساد و رسیدگی بہ اتہامات احتمالی وارد میدان شدہ‌اند. بہ عبارت دیگر اگر این اتہامات علنی گفتہ نمیشد و در گوش آقایان یا در يك جلسہ خصوصی گفتہ میشد، کسی برای رسیدگی بہ آن اقدامی نمی‌کرد، چون مسالہ مبارزہ با فساد نیست، فقط آبروی خودشان مہم است. در حالی کہ در ساختار ضدفساد، بہ محض شنیدن یا اطلاع از فسادی فوری دست بہ کار می‌شوند تا صحت و سقم اتہامات را معلوم کنند، فارغ از اینکہ بہ صورت عمومی اظہار شدہ است یا در جمع محدود یا حتی محرمانہ. تازہ حالا آن نمایندہ مجلس ہم کہ خواہان رسیدگی می‌شود، با تعریض بہ فرد اتہام‌زنندہ می‌گوید کہ خودت از کجا پول در می‌آوردی یا چقدر می‌گیری؟ معلوم است کہ این رویکرد، بہ معنای ضد فساد بودن نیست، يك دعوی حیدری و نعمتی برای بہ سکوت کشاندن یکدیگر است. اتہام‌زنندہ بہ نحو نامتعارفی احضار و حتی گفتند دعوت شدہ است کہ این نیز نشان می‌دہد، جایگاہ افراد مقدم بر موضوعات است. جالب اینکہ او نیز بہ طور ضمنی و حتی درست این‌گونه فکر می‌کرد کہ بیان عمومی آن اتہام در رسانہ موثرتر از بیان خصوصی است. فکر می‌کنید نتیجہ این رسیدگی چہ خواہد شد؟ بعید می‌دانم کہ منجر بہ نتیجہ‌ای جدی شود. اتہام‌زنندہ می‌گوید کہ فلانی بہ من چنین گفتہ است. او را احضار می‌کنند و می‌گوید نہ با با اشتباہ برداشت کردی و من چنین نگفتہ‌ام. خلاصہ با ہم کنار می‌آیند و غائلہ ختم می‌شود. بہ این وضعیت ہر چہ بگویند مبارزہ موثر با فساد نمی‌گویند.